



عیسی در عهد عتیق کی بود؟

کلمه

در حال حاضر مذاهب زیادی در جهان هستند. در بسیاری از مذاهب پیامبران نقش مهمی دارند. پیامبران کسانی هستند که باور دارند افکار خدا را می‌شناسند و این افکار را با دنیای اطرافشان در میان می‌گذارند. در بعضی از مذاهب عیسی هم به عنوان یک چنین پیامبری شناخته شده است. ولی در حقیقت تفاوت بزرگی میان عیسی و پیامبران دیگر که پیامی را از خدایشان شنیده اند و منتقل کرده اند، وجود دارد. این تفاوت در چیست؟ آنچه عیسی درباره خودش می‌گوید خیلی واضح است.

عیسی در باره خود و ابراهیم چه می‌گوید؟

یوحنا ۸: ۵۲-۵۸

پیامبران مکاشفاتی را از خدا می‌گیرند ولی هیچ کدام خدا را بطور کامل نمی‌شناسند. عیسی می‌گوید که خدا را می‌شناسد و پیش از تولد ابراهیم او بوده است. به عبارت دیگر، عیسی قبل از تولدش بر روی زمین می‌زیسته است.

اینجا در باره عیسی چه گفته می‌شود؟

یوحنا ۱: ۱-۴، ۱۰، ۱۴

عبرانیان ۱: ۱-۳

در اینجا عیسی را کلمه خدا می‌نامند. کلمه در آسمان جسمی نداشت. عیسی تازه زمانی که بر روی زمین متجلی شد، جسم گرفت. در پیدایش می‌بینیم که همه چیز به واسطه ادای کلمه توسط خدا، خلق می‌شود (پیدایش ۱).

فرشته خدا

در عهد جدید کلمات متفاوتی استفاده می‌شوند که در واقع یک معنی را می‌رسانند. کلمه، پسر، تصویر و تجلی خدا، در واقع می‌توان گفت که در عهد جدید عیسی مکاشفه‌ی خدای «نهفته» است. سوالی که به وجود می‌آید این است که در عهد عتیق چگونه است. آیا عیسی تنها در زمان پیدایش حضور داشت یا اینکه زمانهای دیگری نیز بودند که او در آسمان یا بر زمین دیده می‌شد؟

در عهد عتیق می‌بینیم که در دفعات متفاوتی فرشته خدا ظاهر می‌شود.

پیدایش ۱۶: ۷-۱۰، ۱۳

در این داستان می‌خوانیم که فرشته خداوند بر هاجر ظاهر می‌شود. فرشته می‌گوید: «ذریه تو را بسیار افزون گردانم، به حدی که از کثرت به شماره نیایند.» هاجر در آیه ۱۳ تصدیق می‌کند که این ادونای (خداوند) است که با او سخن گفته است.

آتش

چطور فرشته خدا بر موسی ظاهر شد و چه چیزی در مورد او خارق العاده بود؟

خروج ۳: ۲-۵

خروج ۳: ۶

فرشته خودش را چطور معرفی کرد؟

خروج ۱۴: ۱۹-۲۰

چطور فرشته خدا درین داستان ظاهر می شود؟

یوشع وارد سرزمین موعود می شود، اما قبل از شروع جنگ با مردی ملاقات می کند. آن مرد خود را چگونه معرفی کرد و عکس العمل یوشع چیست؟

یوشع ۵: ۱۳-۱۴

تصویر خداوند

کولسیان ۱: ۱۵-۱۸

در اینجا می خوانیم که عیسی تصویر خداست. در نمونه هایی که تا به حال نام برده شد می بینیم که عیسی از زمان پیدایش به عنوان کلمه آفریننده، حضور داشته است. بعد از آن او بارها به عنوان نماینده خدا به زمین آمده است. او هر بار خود را به عنوان خدا معرفی کرده است. عیسی در عهد جدید همیشه بوده است، اما نه همیشه به عنوان انسان بر روی زمین.

عهد

لحظه مهم دیگری نیز وجود دارد که باید از آن یاد کرد. خدا بارها خود را در کلامش به عنوان خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب معرفی می کند. ولی این چه ربطی به عیسی دارد؟ با هم خواندیم که خدا میخواست انسان را از اسارت شیطان آزاد کند. شیطان به واسطه نافرمانی انسان از خدا و گوش بفرمانی انسان از او، بر زمین قدرت یافته است. خدا میخواست فرمانروایی شیطان را بشکند. این تنها در صورتی امکان پذیر بود که شخصی عادل پیدا میشد. برای عیسی معنی این عدالت این است که خدا فرمانروای قلب اوست و او آنچه را که از پدر می شنود انجام میدهد. بدین وسیله شیطان چون در زندگی این شخص قدرتی ندارد، فضای خود را از دست میدهد. خدا در ابرام فردی را دید که به واسطه ایمانش عادل بود. ابرام آنچه را که از خدا می شنید انجام میداد. به همین خاطر خدا تصمیم گرفت که به واسطه نسل ابرام دنیا را از فرمانروایی شیطان آزاد کند. به همین دلیل خدا میخواست که با ابرام عهدی ببندد. این عهد یک عهد خونی بود. عهدی که تا ابد ادامه خواهد داشت.

پیدایش ۱۵: ۱-۶

در این داستان می بینیم که خدا به ابرام نسلی بزرگ و در عین حال حفاظت، برکت و صلح را وعده میدهد. چون ابرام به خدا اعتماد داشت، حالا خدا با او عهدی می بندد.

چه کسی در میان قربانی حیوانات ظاهر شد؟

پیدایش ۱۵: ۹، ۱۰، ۱۷، ۱۸

عیسی خود را نور جهان می نامد. در عهد عتیق ما خدا را نیز می بینیم که به صورت آتش، نور یا مشعل ظاهر می شود. این داستان بسیار مهم است زیرا در اینجا خداوند وعده می دهد که ابرام ارثیه ای را که خدا برای انسان در نظر گرفته است، دریافت می کند و دشمنانش شکست خواهند خورد.

عیسی نیز در زمان بسته شدن این عهد حضور دارد.

عیسی خود را نور عالم مینامد. در عهد عتیق نیز بارها می بینیم که خدا بصورت آتش، نور یا مشعل ظاهر میشود. این داستان بسیار مهم است، چون خدا به ابرام وعده میدهد که او ارثیه ای که خدا برای انسانها در نظر گرفته است را خواهد گرفت و دشمنانش شکست خواهند خورد. عیسی در زمان بسته شدن این عهد حضور دارد. بعدها زمانی که ابرام نام جدیدی که همان ابراهیم باشد را دریافت میکند، به او فرزندی به نام اسحاق داده میشود. زمانی که این پسر ۱۳ ساله بود، ابراهیم باستی او را قربانی میکرد. در اینجا نیز ابراهیم به خدا گوش میدهد و به راه میافتد تا برکوه موریا پسر را قربانی کند. زمانی که میخواست جاقو را در بدن فرزندش فرو کند، فرشته خدا ظاهر می شود.

پیدایش ۲۲: ۱۱-۱۲

فرشته دید که ابراهیم از خداوند اطاعت کرده و حتی فرزندش را از او دریغ نداشته است، به واسطه این عمل از روی ایمان و به خاطر عهدی که خدا با او داشت، خدا هم تنها فرزند خود

را دریغ نخواهد داشت. پسر خدا انسانها را آزاد می کند و بخشش را برای آنها می آورد و از اینکار را از نسل ابراهیم شروع خواهد کرد. چطور؟ این را در بخش بعدی خواهیم آموخت.

داده تکلیف

داستان ابرام را در پیدایش ۱۲-۲۲ بخوانید. آنچه را که در مورد نحوه رابطه ابراهیم با خدا می آموزید، یادداشت کنید. بنویسید که ابرام با خدا چطور ملاقات کرد و بعد از ملاقات آنها چه اتفاقی افتاد.

برای مربی تان بگویید که در حال حاضر دید شما در مورد عیسی چیست. درباره او چه اعتقادی دارید؟ درباره شخص عیسی چه سؤالاتی در ذهن تان دارید؟

از مربیتان بپرسید که او چطور عیسی را شناخته است و عیسی برای او چه کسی است.

اصل هشتم

عیسی در عهد عتیق به عنوان کلام خدا، آتش خدا یا فرشته خدا حضور داشت.



یوحنا ۸: ۵۲-۵۸

۵۲ پس یهودیان بدو گفتند: الان دانستیم که دیو داری! ابراهیم و انبیا مردند و تو می گویی اگر کسی کلام مرا حفظ کند، موت را تا به ابد نخواهد چشید؟ ۵۳ آیا تو از پدر ما ابراهیم که مرد و انبیایی که مردند بزرگتر هستی؟ خود را که می دانی؟ ۵۴ عیسی جواب داد: اگر خود را جلال دهم، جلال من چیزی نباشد. پدر من آن است که مرا جلال می بخشد، آنکه شما می گوئید خدای ما است. ۵۵ و او را نمی شناسید و اگر گویم او را نمی شناسم مثل شما دروغگو می باشم. لیکن او را می شناسم و قول او را نگاه می دارم. ۵۶ پدر شما ابراهیم شادی کرد بر اینکه روز مرا ببیند و دید و شادمان گردید. ۵۷ یهودیان بدو گفتند: هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده ای؟ ۵۸ عیسی بدیشان گفت: آمین آمین به شما می گویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم.

یوحنا ۱: ۱-۴، ۱۰، ۱۴

۱ در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. ۲ همان در ابتدا نزد خدا بود. ۳ همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. ۴ در او حیات بود و حیات نور انسان بود. ۱۰ او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان او را نشناخت. ۱۴ و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر.

عیرانیان ۱: ۱-۳

۱ خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریق های مختلف بوساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر به ما بوساطت پسر خود متکلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار داد و بوسیله او عالمها را آفرید؛ که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده و به کلمه قوت خود حامل همه موجودات بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، به دست راست کبریا در اعلی علین بنشست.

پیدایش ۱۶: ۷-۱۳

۷ و فرشته خداوند او را نزد چشمه آب در بیابان، یعنی چشمه ای که براه شور است، یافت. ۸ گفت: ای هاجر، کنیز ساری، از کجا آمدی و کجا می روی؟ گفت: من از حضور خاتون خود ساری گریخته ام. ۹ فرشته خداوند به وی گفت: نزد خاتون خود برگرد و زیردست او مطیع شو. ۱۰ و فرشته خداوند به وی گفت: نریت تو را بسیار افزون گردانم، به حدی که از کثرت به شماره نیابند.

۱۱ و فرشته خداوند وی را گفت: اینک حامله هستی و پسری خواهی زایید، و او را اسماعیل نام خواهی نهاد، زیرا خداوند تظلم تو را شنیده است.

۱۲ او مردی وحشی خواهد بود، دست وی به ضد هر کس و دست هرکس به ضد او، و پیش روی همه برادران خود ساکن خواهد بود. ۱۳ او، نام خداوند را که با وی تکلم کرد، «انت ایل روئی» خواند، زیرا گفت: آیا اینجا نیز به عقب او که مرا می بیند، نگریستم.

خروج ۳: ۲-۵

۲ و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد. و چون او نگریست، اینک آن بوته به آتش مشتعل است اما سوخته نمی شود. ۳ و موسی گفت: اکنون بدان طرف شوم، و این امر غریب را ببینم، که بوته چرا سوخته نمی شود. ۴ چون خداوند دید که برای دیدن مایل بدان سو می شود، خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: ای موسی! ای موسی! گفت: لبیک گفت: بدین جا نزدیک میا، نعلین خود را از پایهایت بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده ای زمین مقدس است.

خروج ۳: ۶

۶ و گفت: من هستم خدای پدرت، خدای ابراهیم، و خدای اسحاق، و خدای یعقوب. آنگاه موسی روی خود را پوشانید، زیرا ترسید که به خدا بنگرد.

خروج ۱۴: ۱۹، ۲۰

۱۹ و فرشته خدا که پیش اردوی اسرائیل می رفت، حرکت کرده، از عقب ایشان خرامید، و ستون ابر از پیش ایشان نقل کرده، در عقب ایشان بایستاد. ۲۰ و میان اردوی مصریان و اردوی اسرائیل آمده، از برای آنها ابر و تاریکی می بود، و اینها را در شب روشنایی می داد که تمامی شب نزدیک یکدیگر نیامدند.

یوشع ۵: ۱۳، ۱۴

۱۳ و واقع شد چون یوشع نزد اریحا بود که چشمان خود را بالا انداخته، دید که اینک مردی با شمشیر برهنه در دست خود پیش وی ایستاده بود. و یوشع نزد وی آمده، او را گفت: آیا تو از ما هستی یا از دشمنان ما؟ ۴ گفت: نی، بلکه من سردار لشکر خداوند هستم که الان آمدم. پس یوشع روی به زمین افتاده، سجده کرد و به وی گفت: آقایم به بنده خود چه می گوید؟

پسر دراز مکن، و بدو هیچ مکن، زیرا که آآن دانستم که تو از خدا می ترسی، چونکه پسر یگانه خود را از من دریغ نداشتی.

کولسیان ۱: ۱۵-۱۸

۱۵ او صورت خدای نادیده است، نخست زاده تمامی آفریدگان. ۱۶ زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوات؛ همه بوسیله او و برای او آفریده شد. ۱۷ او قبل از همه است و در وی همه چیز قیام دارد. ۱۸ او بدن یعنی کلیسا را سر است، زیرا که او ابتدا است و نخست زاده از مردگان تا در همه چیز او مقدم شود.

پیدایش ۱۵: ۱-۶

بعد از این وقایع، کلام خداوند در! رویا، به ابرام درسیده، گفت: ای ابرام مترس، من سپر تو هستم، و اجر بسیار عظیم تو. ۲ ابرام گفت: ای خداوند یهوه، مرا چه خواهی داد، و من بی اولاد می روم، و مختار خانه ام، این العاذار دمشقی است! ۳ ابرام گفت: اینک مرا نسلی ندادی، و خانه زادم وارث من است. ۴ در ساعت، کلام خداوند به وی در رسیده، گفت: این وارث تو نخواهد بود، بلکه کسی که از صلب تو در آید، وارث تو خواهد بود. ۵ او را بیرون آورده، گفت: اکنون بسوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار هرگاه آنها را توانی شمرد. پس به وی گفت: دریت تو چنین خواهد بود. ۶ به خداوند ایمان آورد، و او، این را برای وی عدالت محسوب کرد.

پیدایش ۱۵: ۹، ۱۰، ۱۷، ۱۸

۹ به وی گفت: گوساله ماده سه ساله و بز ماده سه ساله و قوچی سه ساله و قمری و کبوتری برای من بگیر. ۱۰ پس اینها همه را بگرفت، و آنها را از میان دو پاره کرد، و هر پاره ای را مقابل جفتش گذاشت، لکن مرغان را پاره نکرد.

۱۷ واقع شد که چون آفتاب غروب کرده بود و تاریک شد، تنوری پر دود و چراغی مشتعل از میان آن پاره ها گذر نمود. ۱۸ در آن روز، خداوند با ابرام عهد بست و گفت: این زمینی را از نهر مصر تا به نهر عظیم، یعنی نهر فرات، به نسل تو بخشیده ام،

پیدایش ۲۲: ۱۱، ۱۲

۱۱ درحال، فرشته خداوند از آسمان وی را ندا در داد و گفت: ای ابراهیم! ای ابراهیم! عرض کرد: لیبیک. ۱۲ گفت: دست خود را بر